

بیوگرافی افشین قطبی

افشین قطبی پنجم بهمن ۱۳۴۲ (۸ فوریه ۱۹۶۴)، در شیراز به دنیا آمد. او سرمربی کنونی باشگاه پرسپولیس تهران و فرزند رضا قطبی است.

قطبی تا سال ۱۳۵۷ در ایران زندگی می‌کرد. او از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۰ در باشگاه‌های آلیتالیا، آتوباهن، ولی ایگلز و فلاپرز آمریکا بازی کرده و بعد از آن تا سال ۱۳۷۶ در دانشگاه لس آنجلس بازیکن بوده و صاحب مدرک مربی‌گری حرفه‌ای A شده است. او از (UCLA دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس) درجه مهندسی برق گرفته و دارای گواهینامه A مربی‌گری حرفه‌ای فوتبال است.

بازی، مربیگری و مدرسه فوتبال ...

افشین قطبی وقتی بازی در تیم فوتبال UCLA، دانشگاه لس آنجلس را در سن ۱۸ سالگی (سال ۱۹۸۱) آغاز کرد، فوتبال در آمریکا هنوز موضوع مهمی نبود. او چهار سال در این تیم بازی کرد و همزمان با آن به آموزش مربیگری فوتبال پرداخت و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ (۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸)، سرمربی تیم فوتبال زنان دانشگاه UCLA شد. او از سال ۱۳۶۷ همراه با گروهی دیگر در مدرسه تربیت فوتبالیست‌های نوجوان (AGSS) پرداخت. این مدرسه فوتبالیست‌های نوجوان را تربیت می‌کرد و از آنان بازیکنانی در سطح بین‌المللی می‌ساخت. جان اوبراین بازیکن تیم آژاکس و بسیاری دیگر از کسانی که این مدرسه را گذراندند، بعدها در تیم‌های مهم فوتبال جهان به چهره‌های مهم فوتبال تبدیل شدند. افشین قطبی که ۱۳ سال در این مدرسه به تربیت فوتبالیست می‌پرداخت، با «بورا میلوتینویچ» مربی سرشناس یوگسلاو (صرب) آشنا شد. او از بورا که بعداً دوست مهم دوران زندگی‌اش شد، در این مدرسه برای تربیت بچه‌ها استفاده می‌کرد. آنها هر سال فوتبالیست‌های جوان این مدرسه را برای بازیهای دوستانه و آشنایی با فوتبال اروپا به کشورهای مختلف اروپایی می‌آوردند. مدرسه AGSS در سال ۲۰۰۲ تعطیل شد. این مدرسه همچنین از مربیانی مانند پیم وریک، گاس هیدینگ و استیو سمپسون استفاده می‌کرد. استیو سمپسون یکی از اولین مربیانی بود که از کامپیوتر و تکنولوژی جدید برای ارتقای آموزش و مدل‌سازی برای برنامه‌ریزی در مسابقات حرفه‌ای استفاده می‌کرد. افشین قطبی بعدها در رهبری تیم ملی کره جنوبی از این تکنیک استفاده کرد.



یک ایرانی در رهبری تیم ملی آمریکا

از سال ۱۹۹۷ افشین قطبی وارد کادر فنی مربیگری تیم ملی آمریکا شد. یک سال بعد، او جزو گروهی بود که علاوه بر عضویت در هیات فنی، گزینشگر ارشد بازیکنان تیم ملی آمریکا را برای بازیهای جام جهانی ۱۹۹۸ انجام می‌داد. وقتی قرعه‌کشی مسابقات انجام شد و معلوم شد تیم ملی ایران و تیم ملی آمریکا در یک گروه قرار دارند، مربی ایرانی تیم ملی آمریکا دچار بحران شد. افشین قطبی می‌گوید: «من عاشق کشورم ایران و مردم آن هستم، اما در آن زمان در تیم ملی آمریکا مسوولیت مربیگری داشتم. وقتی متوجه شدم ایران و آمریکا در یک گروه هستند، دچار بحران احساسی شدید شدم. از یک طرف در قلم احساس می‌کردم که ایرانی‌ام، از سوی دیگر باید تلاش می‌کردم وظیفه تخصصی‌ام را به عنوان یک مربی بر حس وطن پرستی که در من قوی است، ترجیح دهم. بورا میلوتینویچ در این مورد به من کمک کرد. او بارها مربی تیم‌هایی بود که رودرو تیم ملی کشور خودش قرار می‌گرفتند. من می‌دانستم که تیم ملی ایران چهره‌های بسیار مهمی دارد، علی‌دانی شگفت‌انگیز بود، کریم باقری در بازی‌های کوتاه و توپ‌های بلند مهارت بسیاری داشت، مهدوی کیا یکی از بهترین گوش‌های دنیا بود. و وسط کریم باقری و دانی، خداداد عزیز بود که فنی، خلاق و غیرقابل پیش‌بینی بود. و مهم‌تر از همه تیم ایران تیمی بود که همه اعضایش در خدمت تیم بودند.»

نمی‌دانستم گریه کنم یا هورا بکشم!؟

افشین قطبی احساس خودش را در زمان بازی ایران و آمریکا چنین گفته است: «به من هشدار داده شده بود که به گذشته ایرانی‌ام فکر نکنم. وقتی وارد استادیوم شدیم با تشویق حیرت‌انگیز ایرانیانی که اکثر استادیوم را پر کرده بودند، مواجه شدیم. دیدن این صحنه به هر کسی که ایرانی بود احساسی از غرور می‌داد و من هم یک ایرانی بودم. وقتی توپ به طرف استیلی رفت، می‌دانستم چه اتفاقی می‌افتد و وقتی استیلی گل زد، نمی‌دانستم باید چه کنم، گریه کنم یا هورا بکشم؟ نشستم و به رویو خیره شدم. آن روز تمام مردم ایران در کشور از تیم ایران حمایت می‌کردند و این پیروزی به آنها روحیه داده بود.»

کره جنوبی و یک چهارم نهایی ۲۰۰۲

افشین قطبی پس از بازی های ۱۹۹۸ جام جهانی به آژاکس آمستردام رفت و مدتی در آنجا مشاور فنی بود، سپس مدتی همین کار را در تیم های گالاکسی لس آنجلس، KFA کره جنوبی و انجمن فوتبال چین انجام داد. او پس از آشنایی با فوتبال کره جنوبی از سال ۲۰۰۱ همراه با گوس هیدینگ سرمربی تیم ملی کره جنوبی برای آماده کردن تیم این کشور در جام جهانی ۲۰۰۲ به کره رفت. او تحلیل گر فنی گوس هیدینگ بود. افشین قطبی در مورد کارش در جام جهانی ۲۰۰۲ گفته است: « در جام جهانی ۲۰۰۲ من مدل تاکتیکی همه تیم های گروه را در کامپیوتر ساختم و از این طریق تیم و گروه مربیان بازی ها را هدایت می کرد.» او از روشها و مفاهیم علمی در مربیگری استفاده می کند. تیم کره جنوبی در سال ۲۰۰۲ موفق شد تیم چهارم جام جهانی ۲۰۰۲ شود.

افشین قطبی پس از موفقیت تیم کره جنوبی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ به عنوان دستیار مربی تیم « سامسونگ بلو وینگز» قهرمان لیگ کره کار کرد و یک سال بعد به عنوان دستیار مربی به تیم گالاکسی لس آنجلس بازگشت. در سال ۲۰۰۵ مجدداً به کره جنوبی رفت تا بار دیگر به عنوان تحلیلگر فنی دستیار ریچارد ادوکات مربی جدید هلندی تیم کره جنوبی شود.

مربی ایرانی الاصل بار دیگر به شرق آسیا بازگشت؛ اما این بار در سمت مربی تیم ملی کره جنوبی و از آن روزها بود که قطبی در رسانه های ایرانی مطرح و نامش در آنها درج شد؛ در صورتیکه تا پیش از آن، کمتر فوتبال دوست وطنی او را می شناخت .

بیشترین تاثیر بر وی را بورا میلوتینویچ داشته است. کو آدریانز (سرمربی سابق پورتو) و گاس هیدینگ (سرمربی کره جنوبی در سال ۲۰۰۲) نیز در پرورش فکری قطبی تاثیر ویژه ای داشته اند .



بازگشت به ایران ...

در سال ۲۰۰۷ به دنبال دعوت سرپرستان تیم پرسپولیس، افشین قطبی پس از سی سال وارد تهران شد و با گروهی فراوان از طرفداران پرسپولیس و مادری که سی سال بود فرزندش را ندیده بود، مواجه شد.

او همچنین به عنوان مشاور فنی تیمهایی مانند آژاکس آمستردام، گالاکسی لس آنجلس، اومیا آریجای ژاپن، KFA کره و انجمن فوتبال چین کار کرده است.

قطبی به عنوان مربی با تفکر هجومی شهرت دارد.

پدر وی رضا قطبی آخرین رییس سازمان صدا و سیما در دوران پهلوی بوده است.

البته بعضی از دوستان، این که افشین قطبی از خانواده شاهنشاهی است را تکذیب می کنند و می گویند:

افشین قطبی در سال ۱۳۵۶ زمانی که ۱۳ ساله بود، ایران را همراه خانواده اش ترک کرد و به منطقه گلندل کالیفرنیا رفت. او که به قول خودش فوتبال را با توپ پلاستیکی و روی زمین های آسفالت خیابانهای تهران آغاز کرده بود، از زمان نوجوانی به فوتبال علاقه داشت. قطبی گفته است: « فوتبال در روزهای نوجوانی عشق من و راه زندگی من بود. تیم های تاج و پرسپولیس را دوست داشتم و علی پروین و ناصر حجازی بازکنان محبوب من بودند.»

بیوگرافی رضا قطبی (پدر افشین قطبی)

رضا قطبی فرزند محمدعلی قطبی (مهندس ساختمان و مقاطعه کار)، از بنابر قطب الدین لاهیجی (از علمای امامیه قرن ۱۱) و پسر دایمی ملکه ایران فرح دیبا و پدر افشین قطبی سر مربی تیم فوتبال پرسپولیس تهران بود. او در سال ۱۳۱۹ ه.ش از بطن لوییز صمصامی (از نوادگان نجف قلی خان صمصام السلطنه بختیاری) متولد شد. دوران کودکی او مصادف با مرگ شوهر عمه‌اش سهراب دیبا شد و فریده دیبا به همراه تنها فرزند خود فرح که تنها یک سال از رضا قطبی بزرگتر بود در خانه برادرش مقیم شد.



رضا و فرح در کنار یکدیگر بزرگ شدند و سعی بر آن بود تا سطوح مدارس تحصیلی آنها با هم یکی باشد. رضا قطبی، با کمک بورس خیریه ایزابل تهران به همراه دختر عمه اش فرح دیبا جهت ادامه تحصیل رهسپار فرانسه شد و در دانشکده پلی تکنیک پاریس ثبت نام کرد. او به تبع شرایط زمان خود و جو دانشجویی به سیاست روی آورد و به دانشجویان ناسیونالیست که شاخه‌ای از گروه پان ایرانیستها بودند پیوست. او در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد.

پس از اینکه فرح دیبا در سال ۱۳۳۸ با محمدرضا شاه پهلوی ازدواج کرد و ملکه ایران شد، تحصیلات خود را به پایان رساند و به ایران بازگشت و به دربار راه پیدا کرد.

فرح موفق شد وضعیت شغلی دایی خود محمدعلی قطبی را ارتقاء بخشد و برای پسر دایمی خود نیز همین اقدام را کرد. رضا قطبی مدتی در دانشگاه آریامهر (صنعتی شریف فعلی) به تدریس ریاضیات مشغول بود و سپس در دفتر کوچکی وابسته به وزارت اطلاعات و جهانگردی مشغول به کار شد و طرح‌های مربوط به تأسیس یک تشکیلات بزرگ تلویزیونی را تهیه می‌کرد. تا اینکه به ریاست تشکیلات جدید «سازمان تلویزیون ملی ایران» منصوب شد.

در اواخر سال ۱۳۴۵ فرح پهلوی که زمام فرهنگ دوستی را در دوره پهلوی دوم برعهده داشت، تصمیم به تأسیس سازمان و جشن هنر شیراز گرفت. پس از تصویب طرح وی در سال ۱۳۴۶، رضا قطبی را به مدیرعاملی این سازمان منصوب کرد. هدف از تأسیس این سازمان «گسترش هنر و بزرگداشت هنرهای اصیل ملی و به منظور بالا بردن سطح هنر در ایران و بزرگداشت هنر هنرمندان ایران و شناساندن هنر و هنرمندان خارجی در ایران» بود.

برنامه‌ریزی برای جشن هنر شیراز که به مدت ۱۰ سال در شهریور ماه در شهر شیراز برگزار می‌شد به عهده رضا قطبی بود، و بخشهایی از این جشن در تلویزیون نیز به نمایش گذاشته می‌شد. در ۱۳۴۹ نیز مجله تماشا را منتشر کرد. اما رضا قطبی فقط در بخش فرهنگی حکومت نقش نداشت. او آرام آرام به میدان سیاست پای گذاشت و در تصمیم‌گیریهای مهم حضور داشت. اگرچه محمدرضا پهلوی اصولاً از اطرافیان فرنگ‌زده فرح چندان رضایت نداشت و آنان را به کار نمی‌گرفت، اما فرح پهلوی توجهی به این بی‌اعتناییها نداشت.

این رضا قطبی بود که به همراه شجاع‌الدین شفا مشاور فرهنگی شاه طرح تغییر تقویم کشور را به تقویم شاهنشاهی ارائه کرد و در ماههای آخر رژیم پهلوی او نقش مهمی داشت و نباید فراموش کرد که خطابه آخرین شاه که از تلویزیون ملی پخش شد و در آن شاه اعلام کرد «**من صدای انقلاب شما را شنیدم**» نوشته کسی نبود جز رضا قطبی. شاه که تا لحظه آخر از این خطابه آگاهی نداشت وقتی آن را مطالعه کرد عدم رضایت خود را اعلام کرد ولی قطبی و دکتر سیدحسین نصر او را چنین توجیه کردند که «**حرفهای اعلیحضرت باید شبیه حرفهای مردم باشد**» و این چنین شاه راضی شد. گرچه هیچ گاه قطبی را به خاطر این موضوع نیخشید و همیشه از این نطق به عنوان «**نطق کذابی**» یاد می‌کرد.

قطبی از موافقان دستگیری سران پهلوی و از جمله هویدا بود و این اقدام را راه خروج از بحران می‌دانست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قطبی مدتی در تهران مخفیانه زندگی می‌کرد تا اینکه فرح پهلوی با پرداخت هزینه‌های کلان راه خروج وی را فراهم کرد و پس از مرگ شاه بار دیگر قطبی به حلقه یاران فرح پیوست.

«**به راستی که لقب امپراطور، شایسته افشین قطبی است**»»

جمع آوری و تکمیل کننده اطلاعات : قاسم آقابابایی نبی

ایمیل : ghasem.babaie@yahoo.com

سایت : www.FcPersepolis.Ir

مهر سال ۱۳۸۶

پایان